

## تحلیل فقهی و حقوقی تفاوت سهم الارث زن و مرد در نظام

### حقوقی اسلام

حسین مختاری\*

پیمان امیدی\*\*

#### چکیده

تفاوت سهم الارث زن و مرد در برخی فرض‌ها، از جمله احکام امضایی شریعت اسلام است که مبتنی بر حکمت‌های تشریحی است. این تفاوت در مورد سهم الارث دختر و پسر - در آیه شریفه «لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَّاتِ» (نساء: ۱۱) بیان شده است و در فقه مورد استناد قرار گرفته است. پرسش محوری پژوهش حاضر آن است که این تفاوت چگونه با عدالت سازگار است؟ یافته‌های این پژوهش که بر مبنای منابع کتابخانه‌ای به صورت توصیفی - تحلیلی سامان یافته، بیانگر آن است که این تفاوت، مبتنی بر حکمت‌های تشریحی مانند توازن حقوق و تکالیف مالی زن و مرد است و نه مبتنی بر جنسیت؛ بار مسئولیت‌های سنگین مالی مرد، اعم از پرداخت مهریه، نفقه زن و اولاد، معیشت خانواده و غیره، توجیه‌گر سهم بیشتر وی در ارث در برخی از فرض‌هاست. در مقابل، زن تکلیف مالی مستقلی برعهده ندارد. در مواردی نیز سهم الارث زن و مرد ممکن است یکسان باشد یا حتی زن بهره بیشتری برد. تفاوت مذکور نه تبعیض، بلکه تجلی عدالت و ناشی از حکمت بالغه الهی در تنظیم روابط اقتصادی خانواده است تا هر یک از زن و مرد، به تناسب مسئولیت‌هایی که برعهده دارند، از سهم الارث بهره‌مند شوند.

**واژگان کلیدی:** ارث، زن و مرد، فقه اسلامی، عدالت جنسیتی، نظام خانواده.

\*. استادیار دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، hmokhtari58@gmail.com

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قضایی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، peymanomiidi@gmail.com

## مقدمه

حکم شرعی که از آن به شریعت تعبیر می‌شود، مجموعه‌ای از تعالیم الهی است که از جانب خدای حکیم، به وسیله پیامبران برای تأمین سعادت دنیوی و اخروی بشر- نازل شده است. ایمان به این که احکام، سرچشمه گرفته از علم لایزال الهی است و هرگز فعل عبث و بیهوده‌ای از ذات اقدس او صادر نمی‌شود، یقین به مصلحت‌آمیز بودن این قوانین را در پی دارد. البته این باور به معنای نفی تحقیق و تفحص در مورد حکمت و فلسفه احکام نیست؛ چرا که هم در متون دینی به بخشی از این حکمت‌ها اشاره شده و هم پیشرفت علوم تجربی، پرده از برخی اسرار این احکام برداشته است. باین حال باید اذعان داشت که عدم توانایی بشر در درک کامل برخی حکمت‌ها، ناشی از محدودیت دانش اوست، نه فقدان مصلحت در خود حکم (طباطبایی، بی‌تا، ص ۳۲۷).

یکی از ابواب مهم و دارای جزئیات دقیق در فقه اسلامی میراث است که احکام آن نماد عینی توجه شریعت به نظم اقتصادی و حقوق عائله متوفی پس از فوت وی می‌باشد. قرآن کریم برخلاف روش معمول خود در بیان کلیات و واگذاری جزئیات به سنت، در این باب با تفصیل بی‌نظیری به بیان احکام پرداخته و آیات متعددی را به آن اختصاص داده است (نساء: ۱۱، ۱۲ و ۱۷۶). این تأکید ویژه احتمالاً ناشی از حساسیت ذاتی مسائل مالی و به تبع آن، احتمال زیاد برای ایجاد اختلاف و نزاع در میان بازماندگان است؛ از این رو شریعت با تعیین دقیق سهم هر وارث راه هرگونه ادعا و کشمکش را مسدود کرده است.

نظام ارث در فقه امامیه براساس طبقات سه‌گانه و درجات قرابت تنظیم شده است. در این نظام زن و شوهر همواره از یکدیگر ارث می‌برند و خویشانان نسبی در سه طبقه قرار می‌گیرند که تا زمانی که وارثی از طبقه پیشین موجود باشد، نوبت به طبقه بعدی نمی‌رسد (حسینی میلانی، ج ۳۹، ص ۷). یکی از مسائل کانونی و مورد بحث در این باب، علت و حکمت تفاوت سهم‌الارث بین زن و مرد در پاره ای از موارد است. در تحلیل این مسئله توجه به چند نکته حائز اهمیت است؛ اولاً این تفاوت یک قاعده مطلق نیست و در مواردی چون ارث خویشاوندان منسوب به مادر، سهام برابر است. ثانیاً روایات وارده از ائمه اطهار (علیهم‌السلام) حکمت این تفاوت را در قالب مسئولیت‌های مالی سنگین‌تری که برعهده

مردان نهاده شده تبیین کرده است. این مسئولیت‌ها در کنار نقش محوری مرد در چرخه اقتصادی خانواده و جامعه، موجب شده تا برای ایجاد توازن و جبران این بار مالی، در برخی موارد سهم‌الارث مرد بیشتر از زن باشد (امام خمینی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۷۰۴).

جستار حاضر در پی آن است تا با رویکردی تحلیلی-توصیفی و با استناد به منابع معتبر فقهی و روایی به واکاوی حکمت‌های تفاوت سهم‌الارث بین زن و مرد بپردازد و شبهات مطرح شده در این زمینه را مورد نقد و بررسی قرار دهد.

### بیان مسئله و اهمیت تحقیق

مسئله تفاوت ارث زن و مرد از دیرباز محل پرسش بوده و در دوران معاصر با رشد جریان‌های فمینیستی و حقوق بشر، بار دیگر به یکی از مهم‌ترین موضوعات تطبیقی میان فقه اسلامی و نظام‌های حقوقی غربی تبدیل شده است. پرسش اساسی این است که چگونه تفاوت در سهم ارث زن و مرد با اصول عدالت و برابری انسانی سازگار است؟ اهمیت پژوهش حاضر در این است که با رویکردی تحلیلی و مستند به منابع اصیل اسلامی، نشان می‌دهد حکم تفاوت ارث زن و مرد براساس عدالت و وظیفه‌محور و مصلحت اجتماعی است و نه تبعیض جنسیتی.

### پیشینه پژوهش

در میان فقها و اندیشمندان اسلامی، موضوع تفاوت ارث همواره مورد بحث بوده است. آثاری نظیر نظام حقوق زن در اسلام شهید مطهری، زن در آینه جلال و جمال استاد جوادی آملی و پرسش‌ها و پاسخ‌ها: حقوق زن در قرآن استاد مصباح یزدی از منابع اصلی این حوزه محسوب می‌شوند. همچنین مفسرانی چون علامه طباطبایی در المیزان و استاد مکارم شیرازی در تفسیر نمونه با تحلیل آیات سوره نساء بر مبنای عدالت و حکمت، در تفاوت احکام زن و مرد تأکید کرده‌اند.

### مبانی نظری فقهی و حقوقی

در مقام تبیین فلسفه تفاوت در سهم‌الارث زن و مرد، ضروری است مبانی فقهی و حقوقی

این مسئله با استناد به ادله معتبر مورد واکاوی قرار گیرد. برای نیل به این مقصود، تحلیل موضوع در سه عرصه ذیل، بنیادی و اجتناب‌ناپذیر است:

۱. مستندات قرآنی: به‌عنوان اصل لازم‌الاتباع و نصّ تشریح‌کننده که میزان و قاعده ارث را به صورت قطعی الثبوت بیان می‌دارد.

۲. مستندات روایی: به‌عنوان مبین و مفسر نصوص قرآنی که در قالب سنت قولی، فعلی و تقریری معصومین (علیهم‌السلام)، دقایق و احکام مسئله را تفصیل می‌بخشد.

۳. مستندات قانونی: به‌عنوان انعکاس و تجمیع آن مبانی در قالب «قانون مدون» که با تلفیق ادله شرعی و مصالح اجتماعی، چارچوب حقوقی لازم‌الاجراء را مهیا می‌سازد. بدین ترتیب، تحلیل جامع این موضوع، منوط به استقراء دقیق در این سه حوزه استنادی است.

### ۱. مستندات قرآنی

اصل تشریح ارث و تعیین سهام ورثه به‌صورت صریح و تفصیلی در سوره نساء آمده است. آیات کریمه قرآن نه‌تنها به بیان کلیات اکتفا نکرده است، بلکه در مواردی به ذکر دقیق میزان سهم هر وارث پرداخته است. مهم‌ترین این آیات که مبنا و مدار حکم تفاوت قرار گرفته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ص ۵۶۱) عبارت است: «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ فَإِن كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِن كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِن كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِن لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِن كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا؛ خدا شما را درباره [ارث] فرزندان سفارش می‌کند که سهم پسر مانند سهم دو دختر است و اگر [میراث بران میّت] دخترند و بیش از دو دختر باشند، سهم آنان دوسوم میراث است و اگر یک دختر باشد، نصف میراث سهم اوست و برای هر یک از پدر و مادر میّت چنانچه میّت فرزندی داشته باشد، یک‌ششم میراث است و اگر فرزندی نداشته باشد و [تنها] پدر و مادرش ارث می‌برند؛ برای مادرش یک‌سوم است [و باقی‌مانده میراث سهم پدر اوست] و اگر میّت برادرانی داشته باشد، سهم مادرش یک‌ششم است. [همه این سهام] پس از وصیتی است که [نسبت

به مال خود] می‌کند، یا [پس از] دَئِنی است [که باید از اصل مال پرداخت شود]. شما نمی‌دانید پدران و فرزندان کدام یک برای شما سودمندترند [بنابراین اختلاف سهام‌ها، شما را نگران نکند و موجب اعتراض نشود]. [این تقسیم‌بندی] فریضه‌ای از سوی خداست؛ زیرا خدا همواره دانا و حکیم است» (نساء: ۱۱).

## ۲. تفسیر آیه و حالت‌های مختلف ارث

آیه شریفه «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ» در مقام بیان یک حکم تأسیسی و تشریحی از جانب خداوند متعال است. فعل «يُوصِيكُمُ» که از ماده «وَصِيَّة» اخذ شده، در این سیاق حاوی بار معنایی امری الزام‌آور بوده و دلالت بر یک حکم قطعی تشریحی دارد، نه صرف یک توصیه اخلاقی.

مفاد آیه به‌طور صریح به موضوع اولاد به‌عنوان یکی از اصناف وراثت پرداخته و سهم هر یک از ذکور و اناث را به‌صورت فرض مقدر و معین تعیین می‌کند. این تعیین سهام، مبتنی بر قاعده‌ای است که در خود آیه به صراحت بیان شده: «لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ». از منظر حقوقی - فقهی این آیه شریفه به‌عنوان نصّ مُحکم و اصل اساس در باب ارث اولاد تلقی شده و مبنای اصلی مقررات فرایض در قانون مدنی کشورهای اسلامی قرار گرفته است. عبارت «فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ ائْتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثًا مِمَّا تَرَكَ» نیز به‌خوبی نشان می‌دهد که احکام ارث، تفصیلی و مبتنی بر مصادیق دقیق است و برای هر حالت (انفراد، تعدد، وجود ذکور) حکم خاصی مقرر شده است.

این آیه، همراه با آیات بعدی سوره نساء، سهم فرضی هر وارث را در نظام حقوقی اسلام تعریف کرده و به‌عنوان یک منبع قانونی بالاصاله در استنباط احکام شرعی و تدوین قوانین موضوعه مورد استناد قرار می‌گیرد. در ادامه به بررسی حالت‌های مختلف مطابق نص قرآن کریم پیش می‌رویم:

لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ؛ مستند به مفاد صریح آیه ۱۱ سوره نساء، اصل تعیین سهام‌الارث برپایه افزایش سهم ذکور استوار شده است. تطبیق این اصل بر مصادیق مختلف به شرح زیر قابل تقنین می‌باشد: در صورت انحصار وراثت متوفی به یک پسر - و یک دختر، ترکه براساس قاعده تأسیسی به سه سهم تقسیم می‌شود. مطابق این تقسیم‌بندی، پسر - دو

سهم و دختر یک سهم دریافت می‌کند (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۵، ص ۶۸۷). چنانچه وراثت متوفی متشکل از چهار پسر و چهار دختر باشد، کل ترکه به دوازده سهم فرض می‌شود. به موجب محاسبه قانونی، سهم پسران هشت سهم (معادل دو سهم برای هر فرد) و سهم دختران چهار سهم (معادل یک سهم برای هر فرد) تخصیص می‌یابد (فاضل موحدی لنکرانی، ۱۴۲۶، ص ۵۰۳). همچنین چنانچه متوفی دارای یک فرزند دختر باشد، سهم الارث ایشان نصف ماترک خواهد بود (علامه حلی، ۱۳۷۷، ص ۶۴۹) و در صورتی که یک پسر- باشد کل ماترک را به ارث می‌برد (بهجت، ۱۳۸۶، ص ۴۲۰).

اسلام در کنار این تفاوت اقتصادی بر کرامت ذاتی زن و مرد تأکید یکسان دارد؛ در دوران جاهلیت عرب، زنان نه تنها از ارث محروم بودند، بلکه حتی به‌عنوان انسان کامل شناخته نمی‌شدند. ظهور اسلام با اعطای حق ارث به زنان، انقلابی اجتماعی ایجاد کرد. این تحول در زمانی رخ داد که در بسیاری تمدن‌های معاصر، زنان فاقد کوچک‌ترین حق مالی بودند. با تأمل دقیق‌تر در خواهیم یافت که این تفاوت نه برآمده از نگاهی جنسیتی، بلکه برپایه حکمتی عمیق و نظامی متوازن استوار شده است. نمونه گویای تساوی آنجا است که وراثت متوفی پدر، مادر، فرزند باشد سهم الارث پدر  $\frac{1}{6}$  و سهم الارث مادر  $\frac{1}{6}$  و مابقی حسب مورد مطابق قاعده به اولاد وی خواهد رسید (منتظری، ۱۳۸۴، ص ۴۹۴). قرآن کریم به روشنی مقرر می‌دارد که هر یک به  $\frac{1}{6}$  ترکه سهم می‌برند. این تساوی کامل میان دو جنس متفاوت، آشکارا نشان می‌دهد که مبنای تفاوت در سهام، جنسیت محض نیست، بلکه فلسفه‌ای دیگر در کار است. باین‌حال چنانچه متوفی فاقد اولاد باشد، وراثت متوفی فقط پدر و مادر وی باشند، سهم الارث مادر  $\frac{1}{3}$  است؛ پدر متوفی مابقی سهم الارث را به قرابت خواهد برد (ابن‌بابویه، ۱۳۶۷، ج ۶، ص ۱۳۳). حال اگر مطابق فرض بیان شده وراثت (متوفی) احصا در پدر، مادر و برادرانی باشد، سهم الارث مادر از  $\frac{1}{3}$  کاهش پیدا کرده و تبدیل به  $\frac{1}{6}$  می‌شود و برادران متوفی سهم الارثی ندارند و فقط وجود آن‌ها باعث کاهش سهم الارث مادر می‌شوند و سهم پدر مابقی ماترک باقی مانده خواهد بود (خوئی، ۱۴۲۲، ص ۴۹۹)؛ همچنین علت کاهش سهم الارث مادر به سبب وجود برادران (به جهت مذكر بودن آن‌ها) نیست، در صورتی که وراثت متوفی علاوه بر پدر و مادر، دو خواهر و یک برادر باشد سهم الارث مادر  $\frac{1}{6}$

سهم الارث پدر مابقی ترکه و دو مؤنث را (در مثال ما خواهر متوفی هستند) در حکم یک مذکر تلقی کرده و با احتساب دو خواهر و یک برادر سهم مادر کاهش پیدا می‌کند (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۹، ص ۳۵۸). نکته قابل تأمل وجود استثنای متعدد در این قاعده است که برخاسته از شرایط مختلف خانوادگی و اجتماعی است. همین استثنای مؤید آن است که هدف، اجرای خشک یک فرمول ریاضی نیست، بلکه تأمین عدالتی است که در کلیت یک نظام منسجم معنا می‌یابد.

یکی دیگر از آیات مهم بیانگر سهم الارث وراثت آیه «وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوَصِّينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمْنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوَصُّونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ» است (نساء: ۱۲).

در این قسمت از آیه چگونگی ارث زن و شوهر بیان شده است. در توجیه زیاد بودن نصیب مرد نسبت به سهم زن در ارث، روایاتی آورده شده است از حضرت صادق و حضرت رضا و حضرت عسکری علیهم‌السلام که موضوع نفقه در همه آن‌ها جزء وجوه مذکوره یاد شده است؛ یعنی در کنار این تفاوت، مرد موظف است نفقه همسر و فرزندان و اکثر هزینه‌های زندگی را بپردازد؛ درحالی‌که زن هیچ مسئولیت مالی برای تأمین خانواده ندارد و اموالش برای خودش محفوظ است؛ البته این تفاوت همیشه به معنای کمتر بودن سهم زن نیست. فرض کنید وراثت متوفی زوجه، عمو و عمه امی، دایی ابی و دو دایی ابوینی می‌باشد، نحوه محاسبه سهام وراثت به شرح ذیل است:

همسر متوفی <sup>۱</sup>، عمو و عمه امی <sup>۱</sup>، دایی ابی ارث نمی‌برد (با وجود وراثت که از پدر و مادر مشترک هستند) (ابوینی) وراثت که فقط از پدر با متوفی مشترک هستند و مادر آن‌ها شخص دیگری است (ابی) ارث نمی‌برد، دو دایی ابوینی مابقی ترکه که مطابق مثال مطرح شده <sup>۱</sup> خواهد بود را به ارث می‌برند. در مثال مطرح شده سهام همسر- متوفی به عنوان <sup>۶</sup> مؤنث بیشتر از سهام دو دایی ابوینی متوفی که مذکر می‌باشند و کمتر از سهام وراثت امی است؛ همچنین عمو و عمه امی با وجود اختلاف در جنسیت هرکدام <sup>۱</sup> را به صورت مساوی بین خود تقسیم خواهند کرد؛ زیرا قاعده این است وراثت امی سهم الارث برابری دارند.

محقق اردبیلی در ذیل آیه چنین افاده کرده است «... و ظاهر آیه ثبوت ربع و ثمن است برای زوجه از هرچه ماترك باشد؛ چنان‌که نصف و ربع که میراث مرد است از زن نیز از مجموع ترکه است، لیکن قسمت زن به استناد اجماع اصحاب به بعضی- از ترکه اختصاص یافته است» (شهابی، ۱۴۱۷، ص ۲۲۱).

### مستندات روایی

در مورد ارث روایات متعددی وارد شده که از سویی نصف بودن سهم دختر نسبت به پسر را ذکر و تأیید می‌کنند و از طرفی اشاره به حکمت وضع حکم می‌کنند.

در روایتی آمده است که ابن‌ابی‌العوجاء که از ملحدین قرن دوم هجری است و تشکیکاتی در مورد توحید، معاد و اصول اسلام دارد، می‌گفت: «چرا زن بیچاره که از مرد ضعیف‌تر است، باید یک سهم از ارث ببرد و مرد که توانا تر است، دو سهم ببرد؟ وقتی بعضی- از اصحاب این سخن را برای امام صادق علیه‌السلام نقل کردند، امام در پاسخ فرمودند: «برای آن‌که اسلام سربازی، جهاد و نفقه را از عهده زن برداشته و در بعضی جنایات اشتباهی که خویشاوندان باید دیه بپردازند، زن از پرداخت خسارت معاف شده است و همه این‌ها بر دوش مرد گذاشته شده است» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۱، ج ۱۷، ص ۴۳۶).

در روایت دیگری امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید: «برای این‌که خداوند عزوجل مردان را بر زنان برتری داده است، یعنی برای این‌که زنان به همسری و عیال مردان در می‌آیند» (یعنی سرپرستی و مخارج زندگی آن‌ها بر دوش مردان است نه خودشان) (همان، ج ۲). در روایت دیگری، امام صادق علیه‌السلام به مسئله صداق و مهریه به‌عنوان علت این حکم اشاره کرده‌اند (همان، ج ۵).

در جای دیگر امام رضا علیه‌السلام در پاسخ مجموعه‌ای از پرسش‌های محمدبن‌سنان می‌نویسند: «علت این‌که به زنان، نصف مردان ارث پرداخت می‌شود، آن است که زن هنگامی که ازدواج می‌کند، پول می‌گیرد، ولی مرد باید هزینه بپردازد و علت دیگر این‌که زن در عیلوله و تحت تکفل مرد است و اگر محتاج بود، همسر یا بستگان مرد باید مخارج او را بدهند، ولی اگر مردی نیازمند بود بر اقربای زن او واجب نیست که مخارج او را بدهند...» (همان، ج ۴).

## مهم‌ترین حکمت‌های تفاوت سهم زن و مرد از ارث

در قوانین ارث، جهات مختلفی مثل موقعیت اجتماعی و خانوادگی و اقتصادی زن و مرد، ملاحظه شده و ملاک تقسیم تنها زن یا مرد بودن نیست، کما این‌که با مروری نسبت به احکام ارث معلوم می‌شود که گاه سهم ارث آن دو مساوی است، مانند سهم پدر و مادر وقتی با فرزند جمع باشند و یا میت، تنها منسوبین به مادر داشته باشد و گاه زن بیش از مرد سهم می‌برد، مثل جایی که همسر با چند برادر و خواهر همراه شود.

ارث نوعی بهره‌مندی مالی است و انتظار می‌رود مالی که به‌عنوان ارث به افراد می‌رسد در چرخه اقتصاد و تولید به گردش درآید. با توجه به روحیات مرد و زن در غالب موارد ارث، سهم بیشتری به مرد می‌رسد و سرمایه بیشتری برای امر تولید در اختیار مرد قرار داده شده است و از او خواسته شده این مال را در عرصه تولید به‌کار گیرد و وظیفه تأمین مالی خانواده برعهده مرد قرار داده شده است؛ از این‌رو مرد به کار و فعالیت اقتصادی می‌پردازد و زن اداره امور منزل و تربیت فرزندان را در اولویت قرار می‌دهد؛ لذا از زن کار و فعالیت اقتصادی خواسته نشده است.

خداوند مهریه و نفقه زن شامل تهیه لوازم منزل، خوراک، پوشاک، مسکن و سایر هزینه‌های متعارف، نفقه فرزندان، نفقه والدین، دیه به‌عنوان عاقله و جهاد و هزینه‌های آن و... را بر دوش مردان جامعه قرار داده است و چون هزینه‌های مالی مردان غالباً بیشتر می‌شود، برای جبران آن، سهم‌الارث مرد، در مواردی دو برابر زن قرار داده شده است (مطهری، ۱۳۸۱، ص ۲۵۲ و ۲۵۳).

همچنین با توجه به تفاوت‌های مورد اشاره و موارد دیگر، برقراری شرایط یکسان از جهت ارث و برداشتن تکلیف مهریه و نفقه، موجب ظلم و ضرر به زنان خواهد شد و در این میدان رقابت نخواهند توانست موازی مردان حرکت کنند و خسته و افسرده و وامانده خواهند شد؛ چرا که بنده خدا و قوانین بشری بیش از خدا نمی‌تواند صلاح و عدل بندگان را تأمین کند.

اگر ملاک فقط جنبه مالی و اقتصادی باشد، ممکن است بگوییم، حکم مهر و نفقه و ارث را تغییر می‌دهیم تا مشابه یکدیگر شوند، اما اسلام جهات متعددی را در این احکام



ملاحظه کرده است، با توجه به مطالب ارائه شده، موارد زیر را می‌توان به‌عنوان حکمت‌های این تفاوت برشمرد.

### الف) جبران بار مالی مهریه، نفقه و جهیزیه

یکی از مهم‌ترین دلایل این مطلب که سهم‌الارث زن در برخی موارد نصف مرد است وضع خاص زن در مورد حق نفقه و مهریه در برابر مرد است. همان‌گونه که شهید مطهری می‌فرماید: «اسلام چون مهر و نفقه را لازم می‌داند و به این سبب قهراً از مخارج زندگی زن کاسته شده است و تحمیلی از این نظر بر مرد شده است، اسلام می‌خواهد این تحمیل از طریق ارث جبران بشود، فلذا برای مرد دو برابر زن سهم‌الارث قرار داده است. پس مهر و نفقه است که سهم‌الارث زن را تنزل داده است.»

ممکن است اشکال شود که چرا اسلام سهم‌الارث زنان را کم می‌کند تا با مهریه و نفقه آن را جبران کند؟ چرا از همان ابتدا مانند قوانین غربی سهم‌ارث برابر به آن‌ها نمی‌دهد و تکلیف مهریه و نفقه را از گردن مرد بر نمی‌دارد؟

شهید مطهری در جواب این شبهه می‌گوید: «اولاً این دیدگاه مهربان‌تر از مادر، علت را به‌جای معلول و معلول را به‌جای علت گرفته‌اند. این‌ها خیال کرده‌اند مهر و نفقه معلول وضع خاص ارثی زن است، غافل از این‌که وضع خاص ارثی زن معلول مهر و نفقه است. ثانیاً گمان کرده‌اند آنچه در اینجا وجود دارد صرفاً جنبه مالی و اقتصادی است. بدیهی است اگر تنها جنبه مالی و اقتصادی مطرح بود دلیلی نداشت که مهر و نفقه‌ای در کار باشد و یا سهم‌الارث زن و مرد تفاوت داشته باشد. در مورد لزوم نفقه و مهریه، اسلام جهات زیادی را که بعضی-طبیعی و بعضی-روانی است در نظر گرفته است. از یک طرف احتیاجات و گرفتاری‌های زیاد زن از لحاظ تولید نسل (در صورتی که مرد طبعاً از همه آن‌ها آزاد است) و از طرف دیگر قدرت کمتر او از مرد در تولید و تحصیل ثروت و از جانب سوم استهلاک ثروت بیشتر او از مرد، به‌علاوه روان‌شناسی زن و مرد و این‌که مرد همواره باید به‌صورت خرج‌کننده برای زن باشد و بالاخره ملاحظات دقیق روانی و اجتماعی که سبب استحکام علقه خانوادگی می‌شود، اسلام همه این‌ها را در نظر گرفته و مهر و نفقه را از این جهات لازم دانسته است. این امور ضروری و لازم به‌طور غیرمستقیم سبب شده که بر بودجه مرد

تحمیل وارد شود؛ از این رو اسلام دستور داده که به خاطر جبران تحمیلی که بر مرد شده است مرد دو برابر زن سه‌الارث برد؛ پس تنها جنبه مالی و اقتصادی در میان نیست که گفته شود چه لزومی دارد در يك جا سهم زن کسر شود و در جای دیگر جبران گردد» (مطهری، ۱۳۸۱، ص ۲۸۵).

### ب) جبران برخی تکالیف اجتماعی و جزایی

در مورد مرد یک‌سری وظایف اجتماعی و خانوادگی (غیر از مهریه و نفقه) وجود دارد که به طور مستقیم یا غیرمستقیم سبب تحمیل بار اقتصادی و مادی می‌گردد، درحالی‌که از نتایج این تکالیف اجتماعی، زنان نیز بهره‌مند می‌شوند. دو برابر بودن سهم ارث مرد نسبت به زن در بعضی مصادیق جبران‌کننده این تحمیل مالی علیه مردان است؛ به‌عنوان مثال وظیفه جهاد و مبارزه با دشمن همواره از وظایف مردان بوده است که در ضمن آن مرد از کارهای اقتصادی و مالی و تأمین معاش بازمانده و حتی متحمل مخارج زیادی نیز می‌گردد (مانند هزینه‌های جراحی یا از دست دادن اعضا و درمان و...)، درحالی‌که زنان از امنیت اجتماعی برخوردار می‌گردند و هزینه‌های هم پرداخت نمی‌کنند. حتی در زمان حاضر نیز مردان موظف هستند ۲ سال از بهترین موقعیت زندگی خود را که می‌تواند فرصت مغتنمی برای کسب درآمد و شکل‌گیری آینده شغلی و مالی آن‌ها باشد را برای خدمت سربازی سپری می‌کنند، درحالی‌که زنان می‌توانند با فراق بال و خاطر به کسب درآمد یا تشکیل خانواده بپردازند؛ از این رو دو برابر شدن سهم ارث مرد می‌تواند جبران‌کننده این خلأ اقتصادی شود.

### ج) جبران زحمات اقتصادی و حمایتی فرزندان ذکور

به‌طور معمول پسران از آغاز تا پایان عمر یک خانواده در چارچوب نظام اقتصادی خانواده قرار گرفته و در پیشبرد تکالیف اقتصادی پایه‌پای مدیر خانواده دخالت مؤثر دارند. همچنین تکالیف نگهداری و حضانت عاطفی و مالی دیگر اعضای خانواده خصوصاً پدر و مادر در زمان پیری و درماندگی عملاً برعهده فرزندان پسر خانواده قرار دارد؛ این در حالی است که دختران خانواده نه‌تنها چنین نقشی در شکل‌گیری اقتصاد خانواده ندارند، بلکه بعد از تحمیل بار مالی جهیزیه و عروسی، تحت مدیریت اقتصادی مرد دیگری خارج از چارچوب خانواده قرار گرفته و امکان حضانت و نگهداری پدر و مادر یا دیگر اعضا خانواده را کمتر پیدا

می‌کنند؛ چرا که عموماً این وظایف با تکالیف همسری او منافات دارد. دو برابر شدن سهم ارث فرزندان ذکور در حقیقت مشوق و جبرانی برای همکاری مؤثرتر فرزندان ذکور و همچنین مشوق روانی و مادی برای حضانت و نگهداری پدر و مادر خواهد بود (مطهری، ۱۳۹۲، ص ۱۷۰).

#### د) تأثیر نحوه توارث بر تقویت نظام خانواده

علاوه بر نتایج قبلی که هرکدام تأکیدی بر ساختار الگویی نظام خانواده است، نحوه توارث به این شکل در مبانی نظام خانواده تأثیر به‌سزایی دارد. همان‌طور که در بحث قوامیت مرد در مدیریت اقتصادی و مدیریت خارجی منزل گفته شد یکی از نکات مترقی و مثبت نظام خانواده تأکید بر نقش مدیریتی مرد است. پشتوانه اقتصادی مرد یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها برای عملی کردن این نقش است به‌گونه‌ای که آیه ۳۴ سوره نساء مدیریت مرد را بر این مؤلفه اساسی منوط کرده است: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ مَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ؛ مردان، سرپرست و نگهدارندگان زن‌اند، به‌خاطر برتری‌هایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی - نسبت به بعضی - دیگر قرار داده است و به‌خاطر انفاق‌هایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‌کنند». بی‌شک تفضیل اقتصادی مرد نسبت به زن در مورد ارث زمینه‌ساز مدیریت اقتصادی مرد و محقق‌کننده مصلحت تک‌تک افراد خانواده و جامعه است.

همچنین اختلاف در سهم‌الارث، هرگز جنبه ارزشی نداشته و دو برابر بودن سهم‌الارث مرد نسبت به زن هرگز به‌معنای ارزش مضاعف مردان نیست؛ همان‌طور که بیشتر بودن سهم‌الارث دختر نسبت به پدر نشانه ارزش بیشتر دختر نسبت به پدر یا بالعکس نیست. مبنای تقسیم و تسهیم در ارث، لزوم رعایت تناسب و تعادل حقوق هرکس با وظایف او است. توجه به این نکته توهم ظالمانه و تبعیض‌آمیز بودن این تسهیم را از بین می‌برد. اگر مسئله ارث به‌عنوان بخشی از حقوق خانواده و مرتبط با نظام اجتماعی مدنظر قرار گیرد و مجموعه نظام حقوق خانواده به‌عنوان جزئی از نظام حقوقی اسلام که دربردارنده مصالح مادی و معنوی است مورد مطالعه و دقت واقع شود و حقوق و تکالیف مختلف زنان و مردان در صحنه خانواده و اجتماع به‌خصوص از بعد اقتصادی با هم مقایسه شود، به‌خوبی

روشن می‌شود که در این تسهیم نه‌تنها به زن ظلم نشده است، بلکه مصلحت‌های فردی، روانی و اجتماعی او به بهترین شکل مدنظر قرار گرفته است. هرچند ظاهر این تسهیم، در برخی موارد برخورداری مضاعف مرد از ارث و مزایای اقتصادی است، ولی واقعیت چنین نیست؛ زیرا اگرچه نتیجه این تقسیم آن است که در مرحله «مَلَک» مرد دو برابر بیش از زن مالک می‌شود، اما در مرحله «مصرف و اختصاص» تقریباً زن بیش از مرد بهره می‌برد؛ زیرا زن سهم و دارایی خود را برای خود نگه می‌دارد و هیچ الزامی برای خرج کردن آن ندارد، اما سهم مرد عملاً و غالباً در جریان انفاق و تأمین هزینه به خانواده‌اش که به‌طور تقریبی نیمی از آن را زنان تشکیل می‌دهند بازمی‌گردد. غالباً و نوعاً مرد بیش از زن می‌تواند از سرمایه خویش در گردش اقتصادی جامعه استفاده کند و به این وسیله از رکود اقتصادی جامعه پیشگیری و زمینه تعالی و تکامل اقتصاد جامعه را به وجود می‌آورد (مکارم شیرازی، ج ۳، ص ۲۹۰).

### نتیجه‌گیری

در قوانین ارث جهات مختلفی مثل موقعیت اجتماعی و خانوادگی و اقتصادی زن و مرد، ملاحظه شده و ملاک تقسیم تنها زن یا مرد بودن نیست. ارثی که به افراد تعلق می‌گیرد تحت عنوان مادر، خواهر، دختر و همسر است نه تحت عنوان زن. در احکام ارث گاه سهم ارث زن و مرد مساوی است، مانند سهم پدر و مادر متوفی، وقتی متوفی فرزند داشته باشد. گاه نیز زن بیش از مرد سهم می‌برد، مثل جایی که همسر- با چند برادر و خواهر همراه شود. گاه نیز سهم زن نصف سهم مرد است مثل جایی که متوفی یک پسر و یک دختر دارد. مبنای تقسیم و تسهیم در ارث، لزوم رعایت تناسب و تعادل حقوق هرکس با وظایف او است. اگر مسئله ارث به‌عنوان بخشی از حقوق خانواده و مرتبط با نظام اجتماعی مدنظر قرار گیرد و مجموعه نظام حقوق خانواده به‌عنوان جزئی از نظام حقوقی اسلام که دربردارنده مصالح مادی و معنوی است مورد مطالعه و دقت واقع شود و حقوق و تکالیف مختلف زنان و مردان در صحنه خانواده و اجتماع به‌خصوص از بعد اقتصادی با هم مقایسه شود به‌خوبی روشن می‌شود که در این تسهیم نه‌تنها به زن ظلم نشده است، بلکه مصلحت‌های فردی، روانی و اجتماعی او به بهترین شکل مدنظر قرار گرفته است. ارث نوعی

بهره‌مندی مالی است. خداوند مهریه و نفقه زن شامل تهیه لوازم منزل، خوراک، پوشاک، مسکن و سایر هزینه‌های متعارف، نفقه فرزندان، نفقه والدین، دیه به‌عنوان عاقله و جهاد و هزینه‌های آن و... را بر دوش مردان جامعه قرار داده است و چون هزینه‌های مالی مردان غالباً بیشتر می‌شود، برای جبران آن، سهم‌الارث مرد، در مواردی بیشتر از سهم زن قرار داده شده است. اسلام جهات متعددی را در این احکام ملاحظه کرده است. علاوه بر این در شرایط کنونی به‌صورت غالبی مهریه زوجه نیز بعد از وفات زوج از اموال او پرداخت می‌شود که مجموعاً سهم قابل توجهی از اموال زوج به زوجه می‌رسد که از سهم‌الارث هر یک از ورثه بیشتر است.



## منابع

- قرآن کریم.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی، ترجمه و متن کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۶، تهران: نشر- صدوق، ۱۳۶۷.
  ۲. بروجردی، سید حسین، منابع فقه شیعه، ج ۲۵، تهران: فرهنگ سبز، ۱۳۸۶.
  ۳. بهجت، محمد تقی، استفتاءات، ج ۴، قم: دفتر حضرت آیت الله العظمی بهجت، ۱۳۸۶.
  ۴. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۷، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث، ۱۴۰۱.
  ۵. خمینی، روح الله، توضیح المسائل، ج ۲، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۱.
  ۶. خوئی، سید ابوالقاسم، توضیح المسائل، قم: مؤسسه إحياء آثار الامام الخوئی، ۱۴۲۲.
  ۷. سبحانی تبریزی، جعفر، استفتاءات، ج ۱، قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۸۹.
  ۸. شهابی، محمود، ادوار فقه (شهابی)، ج ۲، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات، ۱۴۱۷.
  ۹. طباطبایی، سید محمد حسین، نهاية الحکمه، قم: انتشارات اسلامی، بی تا.
  ۱۰. علامه حلی، حسن بن یوسف، تبصرة المتعلمین فی أحكام الدین، ج ۲، تهران: کتابفروشی اسلامی، ۱۳۷۷.
  ۱۱. فاضل موحدی لنکرانی، محمد، توضیح المسائل، امیرالعلم، ۱۴۲۶.
  ۱۲. مطهری، مرتضی، حقوق زن در اسلام، تهران: صدرا، ۱۳۸۱.
  ۱۳. مطهری، مرتضی، نظری به نظام اقتصادی اسلام، تهران: صدرا، ۱۳۹۲.
  ۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، دایرة المعارف فقه مقارن، ج ۱، قم: مدرسة الإمام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۳۸۵.
  ۱۵. منتظری، حسینعلی، استفتاءات، ج ۲، تهران: نشر سایه، ۱۳۸۴.

